

کلیسای عزیز،

دریافت قدرت روح القدس...؟

شور و شوق روایت پنطیکاست

از اعمال رسولان واقعاً نمی شه گذشت و هم اکنون ازش صحبت نکرد.

«چون روز پنطیکاست فرا رسید، همه یکدل در یک جا جمع بودند که ناگاه صدایی همچون صدای وزش تندبادی از آسمان آمد و خانه‌ای را که در آن نشسته بودند، به تمامی پر کرد. آنگاه، زبانه‌هایی دیدند همچون زبانه‌های آتش که تقسیم شد و بر هر یک از ایشان قرار گرفت. سپس همه از روح القدس پُر گشتند و آن‌گونه که روح بدیشان قدرت تکلم می‌بخشید، به زبانه‌های دیگر سخن گفتن آغاز کردند»

اعمال ۴-۱:۲

روح خدا مانند طوفان به میان جمعیت می آید

پیروان ترسیده عیسی را گویی برق گرفته، در آتش قرار گرفتن: آنهایی که قبلاً ترسیده و پشت درها پنهان شده بودند حالا درب‌ها باز می‌شوند و در میان جمعیت حیرت زده بیرون می‌آیند.

— جشن پنطیکاست

این روز پنطیکاست است - پنطیکاست کلمه یونانی هست -

پنجاه روز پس از عید فصح، عبری Shavuot -

جشن بزرگ یهودیان

در اورشلیم یهودیان زیادی از سراسر امپراطوری روم و اسرائیل زندگی می‌کنند.

حالا در پنطیکاست تمام موانع زبانی از بین رفته است

شاگردان موعظه می‌کنند و بشارت اعمال بزرگ خدا را می‌دهند و خیلی‌ها آنها را درک می‌کنند!

اما حتی در آن زمان هم اینطور نبود که همه بعد از شنیدن خبر خوب قلبهایشان را تحت تأثیر قرار گیرد.

برخی کاملاً متضرر و وحشت زده بودند،

بقیه مسخره می‌کردند چون فکر می‌کردند اینان فقط مست شراب شده‌اند!

پس چگونه خبر خوب نجات عیسی مسیح امروز بعد

دو هزار سال، می‌تواند به قلب‌ها برسد؟

و شور و شوق کجاست؟

آیا هنوز مردمانی هستند که به وجد بیایند؟

چه کسانی مانند آن زمان توسط روح القدس قلبهایشان لمس می‌شود؟

روزی روزگاری دختری دوازده ساله بود  
او برای مسح و تایید روح القدس در کلیساشون آماده می‌شد.  
تایید یا مسح روح القدس یک آیین مقدس در کلیسای کاتولیک است  
عطایایی که روح القدس به شخصی که باید تایید شود هدیه می‌کند.  
دخترک با اعتماد کودکانه خود به نشانه ای روشن از روح القدس امیدوار بود.  
حداقل می‌خواست همه این حقایق را بفهمد  
چیزی که قبلاً برای او بیگانه و دور و غیرقابل درک بود.  
واقعا حضور خدا را احساس کنید و صدای او را بشنوید!

روز عطایا و مسح روح القدس فرا رسید  
او بسیار هیجان زده با خانواده اش به کلیسا رفت.  
مراسم در کلیسای محلی آنها نبود بلکه در کلیسای قدیمی محله در منطقه همجوار بود و کلیسا مملو از جمعیت و افرادی  
که تایید روح القدس و عطایا را می‌خواستند مجبور بودند در یک ردیف در راهرو بایستند.  
جای او خیلی عقب بود، زیر گالری، او حتی نمی‌توانست محراب را ببیند.  
بنابراین او از کل جشن، خیلی کم توانست متوجه شود .

سرانجام اسقف از راهرو پایین آمد.  
او یکی پس از دیگری مسح و تایید می‌کرد  
همه را با این جمله مبارک و مسح کرد:  
**"مهر شوید با عطایای خدا، در روح القدس بمانید."**  
همه چیز خیلی سریع اتفاق افتاد، خیلی سریع برای دختری که به سختی جرات نفس کشیدن را داشت -  
اکنون و حالا اینجا باید اتفاق می‌افتاد:  
روح القدس آنها را پر می‌کند!

اما هیچ اتفاقی نیفتاد.  
نه طوفانی، نه آتشی، نه حتی یک نفس باد  
که او را در بر بگیرد.  
همه اش همین بود؟  
کجا بود شور و شوق، شادی؟  
کجاس شنیدن صدای خدا؟  
نه هیچ کدام  
یا اینکه این اشتیاق دل اوست که باعث شد به جستجوی پر از سوالش ادامه دهد،  
آیا این همان جرقه و آتشی از روح القدس است؟  
این همان سوالی هست که او همیشه به آن بازگشته است و به گُشتی گرفتن با آن ادامه داده،  
زمانی که افراد کاملاً غریبه و بی‌ایمان وقتی او را می‌بینند و فکر می‌کنند این انرژی مثبت او که ازش ساطع می‌شود از  
کجا می‌آید ؟  
روح القدس ، قدرت روح

که تمام زندگی او حول آن می چرخد -  
اصطلاحی که به نوعی نامفهوم هست.  
و برای ذهن غیرقابل درک، وصف ناپذیر است،  
نمی توان در تفکر انسان روح القدس را طبقه بندی کرد.

هنگامی که پولس در نامه خود به کلیسای قرنتس می نویسد: ما روح را دریافت کرده ایم.  
سپس سوال کلیدی این است:

این به چه معناست، چرا فقط ما و نه همه مردم؟  
اما پولوس درک این مطلب را برای ما آسان نمی کند -  
او فرض می کند که نامه خوانان او با کار روح القدس تجربیات خود را دارند و آشنا هستن که او چه می گوید.

اول قرنتیان فصل ۲ آیات ۱۲-۱۶ :

«ولی ما نه روح این دنیا، بلکه روحی را یافته ایم که از خداست تا آنچه را خدا به ما عطا کرده است، بدانیم. و از همین سخن می گوئیم، آن هم نه با کلماتی که آموخته حکمت بشری باشد، بلکه با کلماتی که روح می آموزد؛ و بدین سان حقایق روحانی را با کلمات روحانی بیان می کنیم. اما انسان نفسانی امور مربوط به روح خدا را نمی پذیرد زیرا در نظرش جهالت است، و قادر به درکشان نیست، چرا که قضاوت درست درباره آنها تنها از دیدگاهی روحانی میسر است. اما شخص روحانی درباره همه چیز قضاوت می کند، ولی هیچ کس را یارای قضاوت درباره او نیست. «زیرا کیست که فکر خداوند را دانسته باشد تا به او مشورت دهد؟» ولی ما فکر مسیح را داریم.»

ای خداوند تو اینجا هستی  
ما را با کلام زنده خود تازه کن  
و ما را با روح القدس خود زنده کن! آمین

پولوس هیچ توضیحی نمی دهد.  
او به طور طبیعی فرض می کند  
که همه یک ایمان اساسی دارند.  
ایمان به دریافت روح خود از خداوند.  
این اطمینان با پولوس است  
یک تجربه شادی عظیم،  
که او را با جامعه مسیحی در قرنتس مرتبط می کند.  
اینکه با اعتقاد به پر شدن از روح زندگی کنید.  
دریافت روح خدا یک هدیه است.  
بنابراین هیچ پاداشی برای شجاعت ما و بزرگی ما نیست،  
و به هیچ وجه قابل خرید یا «ساختن» نیست.  
عقل انسان ربطی به آن ندارد  
نمی تواند چیزی را که از جانب خدا می آید توضیح دهد.

آنچه از خدا می آید  
حکمت خدا که ربطی به هوش ندارد  
و درک منطقی به معنای انسانی را می توان با:  
قدرت و بصیرت، امیدوارانه و عملی و عمدتاً متفاوت، در تضاد با درک عمومی از جهان معنی کرد.

منظور پولس از حکمت به عدالت خداوند است که قبلاً در تورات نازل شده است.  
اما این برای افرادی که فقط زندگی را در این دنیا انجام می دهند راز روح خدا و پیام مصلوب شدن عیسی و برخاستن او از مردگان احمقانه است.

پولوس تجربه کرده که درک روح القدس دشوار است و به غیر ایمانداران نمی رسد.  
بلکه ایماندارانی که جدی می پرسند و جستجو می کنند، آن را پیدا می کنند .

پس «روح القدس» کیست ؟  
شاید استفاده از «مثلاً» مانند عیسی درک آن را آسانتر کند:  
تصور کنید در یک شرکت، رئیس ارشد به سفر می رود.  
رئیس جوان با "روح خود" به اداره شرکت ادامه می دهد. اما نیروی کار این را حس می کنند که رئیس ارشد از نظر ذهنی و روحی در شرکت حضور دارد.  
و حتی زمانی که رئیس جوان در تعطیلات یا مریض باشد سپس عملیات با همان «روح» ادامه می یابد.  
ارتباط از طریق ایمیل، تلفن،  
برنامه Whats، جلسات زوم یا موارد مشابه.

این دقیقاً مثل جوامع پیروان عیسی هست که در روح عیسی زندگی می کنند و تا امروز ادامه دارد.  
و آن روح ، روح خداست، که او در غسل تعمید خود در اردن دریافت کرد. متی 3:16 :  
و هنگامی که عیسی تعمید یافت  
بلافاصله از آب بلند شد.  
و اینک آسمان به روی او گشوده شد  
و روح خدا را دید که مانند کبوتر فرود آمد.

این سوال که روح امروز کجاست؟  
اینجا در شهر ما، در جامعه ما،  
نمی توان به این راحتی پاسخ داد  
چگونه می توان روح را متوجه شد و احساس کرد؟  
چه چیزی از طریق ذهن تغییر می کند؟

ما به عنوان یک جامعه در این دنیا زندگی می کنیم و ایمان ما به این معنا نیست که «وجود ویژه» داریم.  
بحران آب و هوا و سناریوهای وحشتناک مرتبط با آن، ایمانداران و غیر ایمانداران را به طور یکسان تحت تأثیر قرار می دهد  
به همین ترتیب

جنگ، بی ثباتی سیاسی و تحولات، تورم  
و کمبود کالاهای مهم مانند دارو،  
برای همه قابل توجه است، درست مانند بیماری همه گیر با همه محدودیت ها و مشکلاتش.  
پس چه فرقی بین ما و جهان غیر ایماندار هست ؟

ما عدالت خدا را می بینیم که به آن امیدواریم.  
ما مکاشفه خدا را می شنویم  
به قول تورات  
بدون قدرت خدا، مردم فقط پیروزی و یا خشونت را می بینند و درکی از عدالت خدا ندارند.

این را لوئیز شاتروف می گوید:  
هدیه روح القدس امید است.  
امید و اعتماد به صلح، عدالت و کمک خداوند  
به خصوص در جایی که هیچ دلیلی وجود ندارد، هیچ تضمینی وجود ندارد که "همه چیز خوب خواهد شد"، "همه چیز  
بهتر خواهد شد".  
امید یک عمل است، نه صرفاً یک نظریه.  
امید، مسیحیان و یهودیان را متحد می کند -  
آنها زندگی می کنند، عمل می کنند، عشق می ورزند و خود را متعهد می کنند،  
گویی نتیجه خوبی ممکن است، بله، مطمئناً.

اگر حضور خدا را در زندگی ام حساب کنم، تمام سختی های زندگی روزمره که وجود می آید و یا  
اتفاقات ترسناک روزانه ای که وجود دارد که دلیلی برای خوشحالی وجود ندارد، باعث می شود که من بدانم که از کجا  
حمایت و پشتیبانی می شوم و قدرت انجام آن کار از کجاست.  
چنین زندگی که در عمل امید خدا وجود داشته باشد جامعه را تغییر می دهد و این منطقی است.

با این وجود، اشتیاق همچنان در قلب باقی است.  
آن جرقه کوچک در وجودم که به امید عدالت نهایی شعله ور میشود تا صلح و سلامتی فراگیر روح القدس برای همه جهان  
بیاید.  
شالوم.

آمین